

راهنمای زندگی عاری از خطر برای نوجوانان (۱)

زندگی عاری از خطر

آسیب‌های عمدی و غیرعمدی

مولفان:
دکتر شهرام رفیعی فر و همکاران

۳۷۹





سلامت و ایمنی از حقوق اساسی بشر است.

دانستنیهای حوادث



حوادث یک مفهوم کیفی است. از این رو، همانند دیگر مفاهیم کیفی توصیف‌های گوناگونی درباره آن به عمل آمده است. به عنوان مثال هاینریش در سال ۱۹۵۹ حادثه را به یک پیشامد ناخواسته و کنترل نشده که در آن کنش و واکنش یک شی، ماده، شخص یا اشعه به یک آسیب شخصی یا



احتمال آسیب دیدگی منجر می شود، تعبیر نمود. براساس این تعریف، حادثه یا آسیب را می توان ناشی از انتقال حاد انرژی به یک فرد و یا از دست رفتن ناگهانی گرما و اکسیژن دانست. همان طور که می دانید، اشکال مختلف انرژی را می توان به طور خلاصه به دسته های زیر تقسیم نمود: مکانیکی، گرمایی، الکتریکی، شیمیایی و اشعه. به عبارتی می توان حادثه را پیش آمد یا احتمال پیش آمدی تعریف کرد که در اثر انتقال حاد انرژی منجر به صدمه می شود و یا می تواند در شرایطی این آسیب را ایجاد کند.

تعریف فوق آن قدر از پیچیدگی برخوردار بود که تا نزدیک به

سه دهه بعد، دانشمندان و متخصصان در پی یافتن تعریفی بودند که ارتباط مؤثر و ساده‌تری با محیط و میزبانان خود برقرار نماید، به طوری که ساری در سال ۱۹۸۶ این تعریف را ارایه نمود: حادثه فرایندی از پیش آمدهای موازی و پی در پی است که به نتیجه‌ای خطرناک منتهی می‌گردد.

درست از این تاریخ به بعد بود که دانشمندان تصمیم گرفتند توجه خود را بیشتر به پیامدهای ناخواص‌ایند حادثه معطوف نمایند و به جای واژه سانحه - حادثه از واژه آسیب - صدمه استفاده کنند.

سازمان جهانی بهداشت نیز حادثه (Accident) را این گونه تعریف نموده است: حادثه

یک رویداد غیرمنتظره است که معمولاً در ترافیک، محل کار، خانه یا مراکز تفریحی باعث آسیب می شود. در این تعریف تأکید عمدہ ای بر روی ویژگی ناگهانی، غیرمنتظره و خارج از فرآیندهای برنامه ریزی شده صورت گرفته است.

تلقی افراد با مشاغل گوناگون از حادثه متنوع است. تلقی پزشکان از حادثه، آسیب های غیرعمدی است. در حالی که مهندسین و صنعت گران حادثه را نقصانی در درون یک سیستم کنترل شده می دانند. تلقی جامعه شناسان از حادثه، درگیری گرایش ها و علايق متفاوت انسانی است. حقوق دانان حادثه را واقعه ای می دانند که کسی را برای آن نتوان مجرم شناخت و در آمار نیز یک پدیده تصادفی را گاه حادثه می دانند و اما جالب ترین تلقی در این میان متعلق به عامه مردم است که آن را تقدیر و قسمت می نامند.

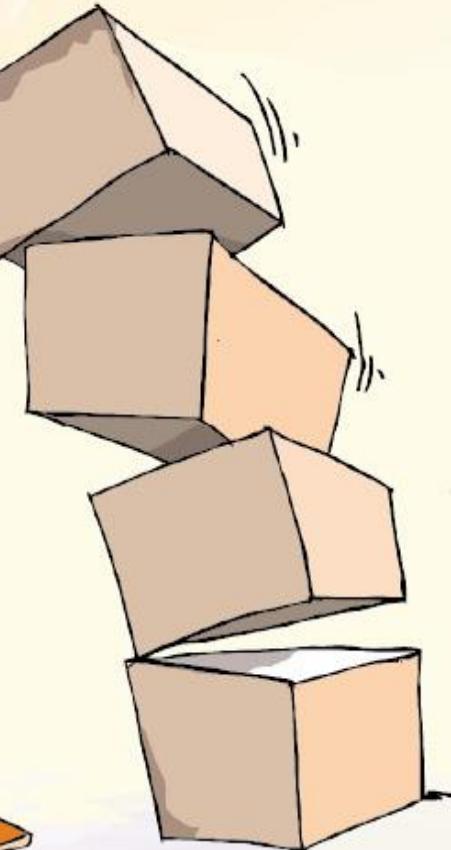
تقسیم بندی حوادث



حوادث را به طور کل به سه گروه عمدی تقسیم بندی می‌کنند:

مانند حوادث ترافیکی، سقوط از بلندی، سوختگی‌ها، غرق شدگی‌ها، خفگی‌ها، مسمومیت‌ها، برق گرفتگی و حوادث ناشی از آتش بازی و گاز گرفتگی و نیش حشرات و جانوران.

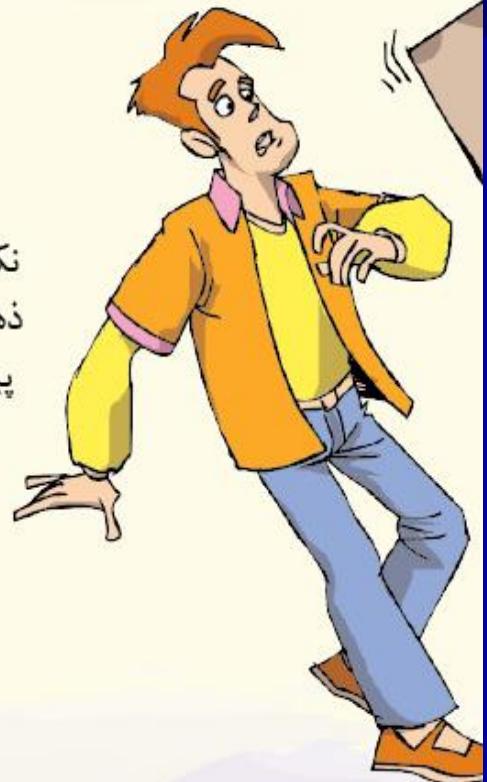
براساس تقسیم بندی کلی فوق و با توجه به طیف گسترده حوادث گوناگون در شاخه حوادث غیر عمدی، می‌توان حوادث غیر عمدی را براساس محل وقوع نیز دسته بندی



نمود که عبارتند از:

- حوادث ترافیکی(جاده ای و خیابانی):
- حوادث خانگی یا حوادث در منزل:
- حوادث محیط کار(حوادث در مدرسه):
- حوادث محیط های ورزشی:
- حوادث عمدى مانند خودکشی، دیگر کشی، آزار، خشونت و تجاوز:
- حوادث یا بلاحای طبیعی مانند سیل، زلزله، آتشفسان، طوفان ها، بهمن و

نکته قابل ذکر آن است که نباید این تقسیم بندی باعث ایجاد ذهنیتی علل گرایانه در بروز حوادث شود بلکه می توان با توجه به پیامدهای بهداشتی که در نتیجه حوادث پدید می آیند، افق دید را در این زمینه وسیع تر نمود. براین مبنای، هر حادثه تنها منجر به آسیب های جسمی نمی شود بلکه در اغلب موارد به بیماری های جسمانی، اختلالات روانی و خسارت های اجتماعی نیز منجر می شود. مدل زیر گویای وضعیت مورد نظر است.



پیشگیری از حوادث



گفته‌یم که حادثه پیشامدی است که می‌تواند به یک آسیب منجر شود. پندار عامه چنان است که گویی قسمت این چنین رقم خورده است. در ادبیات مربوط به سلامت، ایمنی و پیشگیری، اغلب از واژه آسیب به عنوان یک جایگزین معقول برای حادثه استفاده می‌شود. چراکه واژه آسیب با خود مفهوم یک الگو و سیمای قابل تعریف را به همراه دارد که این خود تأکیدی ویژه است بر این مفهوم که حوادث قابل پیش‌بینی و قابل پیشگیری‌اند.

برای پیشگیری از هر آسیب، فرصت های زیادی وجود دارد. در این فرصت ها با کاهش شدت عوامل خطر می توان از وقوع آسیب ها جلوگیری نمود. همچنین در این فرصت ها می توان با اتخاذ تدابیر مناسب برای زمان وقوع، شدت آسیب های به وجود آمده را نیز کاهش داد. در صورتی که آسیب (حادثه) به وقوع پیوسته باشد با نجات به هنگام، مراقبت های اولیه صحیح و انتقال و درمان درست

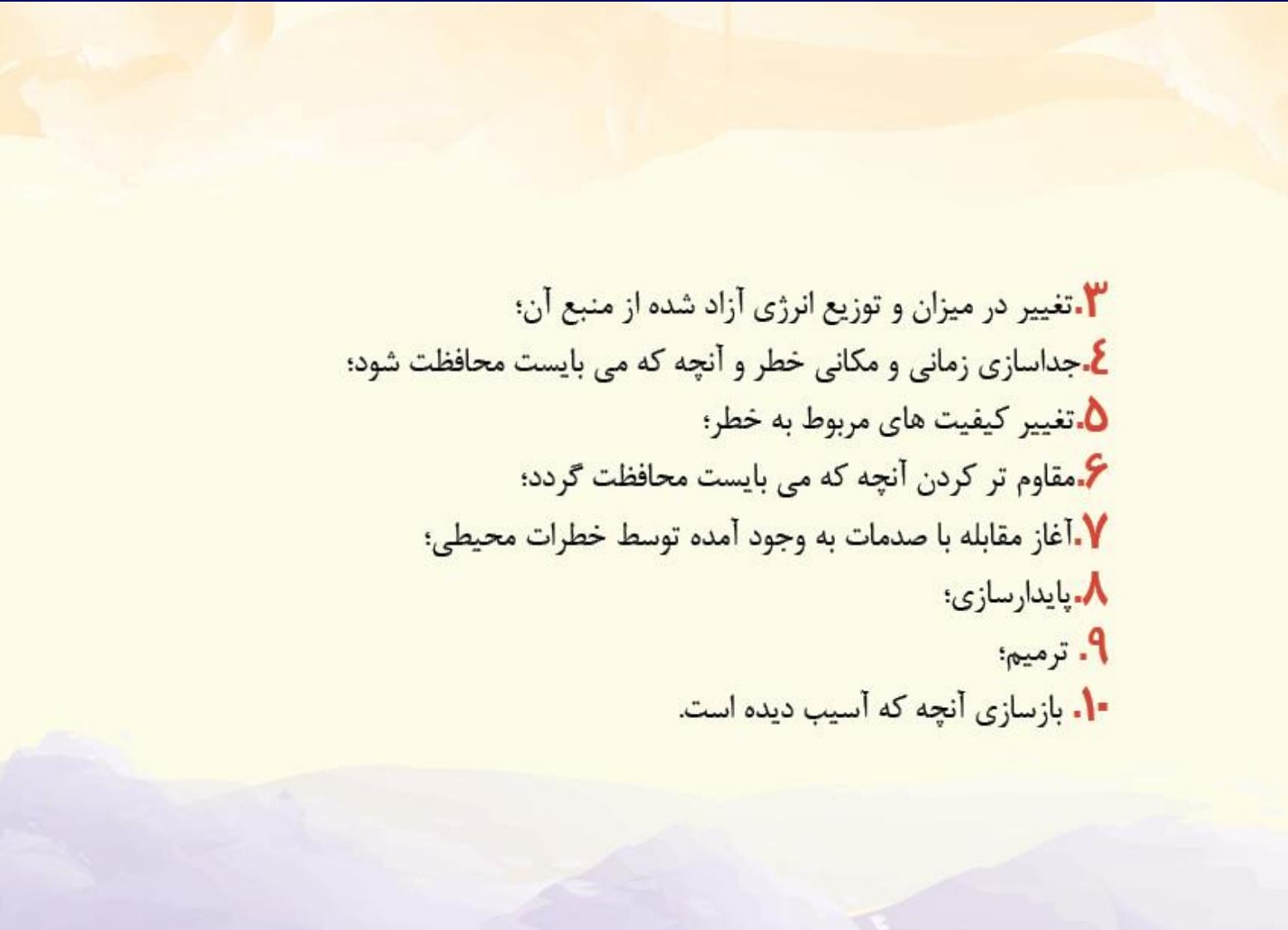


می توان از ایجاد و تشدید آسیب های هم زمان و متعاقب نیز پیشگیری نمود. بنابراین برای هر آسیب سه مرحله وجود دارد که راهبردهای اصلی پیشگیری روی این سه مرحله متمرکز است: مرحله پیش از وقوع، مرحله وقوع و مرحله پس از وقوع.

یکی از کسانی که تحقیقات ارزنده ای در زمینه سوانح و آسیب ها انجام داده است، ویلیام هادون می باشد که در سال های دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی مطالعات ارزشمندی داشته و به نتایج جالب توجه ای نیز در این زمینه دست پیدا کرده است. او عوامل بروز حوادث را به عنوان انرژی ها، نام گذاری نمود و هسته اصل پیشگیری از بروز حادثه را جلوگیری از تماس انرژی با فرد دانست و در این زمینه **۱** راهکار ارایه نمود که عبارتند از:

۱. پیشگیری از به وجود آمدن خطر در مرحله و مکان اولیه؛

۲. کاهش میزان ایجاد شده از انرژی خطرناکی که اکنون موجود است؛

- 
- ۳.** تغییر در میزان و توزیع انرژی آزاد شده از منبع آن؛
 - ۴.** جداسازی زمانی و مکانی خطر و آنچه که می بایست محافظت شود؛
 - ۵.** تغییر کیفیت های مربوط به خطر؛
 - ۶.** مقاوم تر کردن آنچه که می بایست محافظت گردد؛
 - ۷.** آغاز مقابله با صدمات به وجود آمده توسط خطرات محیطی؛
 - ۸.** پایدارسازی؛
 - ۹.** ترمیم؛
 - ۱۰.** بازسازی آنچه که آسیب دیده است.



نکته قابل توجه آن است که بر پایه یافته های فوق می توان انتظار داشت که پیشگیری از حوادث نیز همچون سایر اختلالات سلامت به سه گونه باشد:

● **پیشگیری اولیه از حوادث**: با تمرکز بر روی فاکتورهای دائمی و موقتی که باعث افزایش خطر بروز حوادث می شوند؛

● **پیشگیری ثانویه از حوادث**: با تمرکز بر آمادگی برای اتخاذ تدابیر مناسب در زمان وقوع حادثه به منظور کاهش شدت آن؛

● **پیشگیری ثالثیه از حوادث** : با تمرکز بر جلوگیری از ناکارآمدی فرد آسیب دیده و تلاش برای توانبخشی.

سوانح و بار مالی ناشی از آن

در کشورهای توسعه یافته صنعتی تخمین زده می شود که سالانه بیش از ۲۲۴ بیلیون دلار مستقیماً صرف خدمات پزشکی، نوتوانی و کاهش بهره وری شود. این هزینه ها در طی سال های اخیر در این کشور ها ۴۲ درصد افزایش نشان داده است. پس دقت کنید **پیشگیری از حوادث سرمایه گذاری خوبی** است. پژوهش های اقتصادی نشان داده است که هر ۱ دلار هزینه در کلاه های ایمنی دوچرخه سواران، ۳۰ دلار پس انداز را به دنبال خواهد داشت. هر ۱ دلار هزینه در صندلی ایمنی اطفال، ۳۲ دلار پس انداز در پی خواهد داشت. هر ۱ دلار هزینه در نصب هشداردهنده های دود در منازل، ۶۵ دلار پس انداز در پی خواهد داشت.



حوادث ترافیکی



جنگ خیابانی

روزانه حدود ۳۰۰۰ نفر در جاده ها می میرند و ۳۰۰۰ نفر دیگر به سختی صدمه می بینند. این آمار به حدی بالاست که گویا هر روز در خیابان ها و جاده ها، جنگی تمام عیار برپاست. بیشتر از ۸۵درصد از مرگ و میر ها و ۹۰درصد از سال های از دست رفته عمر در اثر حوادث ترافیکی در کشور های کم درآمد و یا با درآمد متوسط به وقوع می پیوندد و عابرین پیاده، دوچرخه سواران و مسافرین اتوبوس ها بیشترین بار آسیب ها را به



خود اختصاص می دهند. بیشتر قربانیان از گروه هایی هستند که قادر به خرید خودروی شخصی نیستند و یا در گروه سنی کودکان قرار دارند. حتی در کشورهای پیشرفته نیز کودکان فقیرتر بیشتر در معرض خطر قرار دارند. برای حل این مشکل، در اولین گام باید بدانیم چه عواملی باعث ایجاد حوادث ترافیکی می شوند. پس از شناخت صحیح این عوامل، باید تمام آن ها را دسته بندی کرد و برحسب الوبت رفع نمود اما نکته قابل تأمل آن است که بسیاری از عوامل در



حقیقت خود مردم هستند و نه دولت ها و شرکت های سازنده خودرو. بنابراین باید رفتار های غیرایمن را تغییر داد، رفتار هایی را که از حوادث ترافیکی پیشگیری می کنند در جامعه ترویج نمود و بر عکس رفتارهایی را که باعث حوادث ترافیکی می شوند، ریشه کن نمود.

اما چگونه می توان رفتار ها تغییر داد؟ تغییر رفتار در جامعه

بسیار پیچیده است اما به شکلی کاملاً سطحی می‌توان چنین در نظر گرفت که برای تغییر رفتار ابتدا باید دانش فرد افزایش یابد تا شناخت بیشتری از خطر داشته باشد. این افزایش شناخت باید به حدی باشد که نگرش فرد را نسبت به خطر تغییر دهد. تازه این جاست که می‌توان روش‌های نهادینه سازی رفتار را به کار بست تا رفتار مورد نظر حاصل شود.



عوامل شکل دهنده آسیب های ترافیکی

عوامل شکل دهنده حوادث ترافیکی عبارتند از:

- عابرین پیاده
- رانندگان و سایل نقلیه
- استانداردهای جاده ای و معبری
- استانداردهای ایمنی برای رانندگان و راکبین و سایل نقلیه
- استانداردهای ایمنی برای عابرین پیاده

طبقه بندی آسیب های ترافیکی

آسیب های ترافیکی را به دو دسته ناشی از وسائل نقلیه موتوری و ناشی از وسائل نقلیه غیرمоторی تقسیم بندی می کنند.

آسیب های ناشی از وسائل نقلیه غیر موتوری: این گروه از آسیب ها نیز خود در چند دسته مختلف به شرح زیر طبقه بندی می شوند:

- آسیب های ناشی از وسائل پدالی ■
- آسیب های رخ داده در پیاده رو ها ■
- آسیب های ناشی از دیگر وسائل حمل و نقل غیرمоторی ■
- آسیب های با علل نامشخص ■

آسیب های ناشی از وسایل نقلیه غیر موتوری:
این گروه از آسیب ها نیز خود در چند دسته
مختلف به شرح زیر طبقه بندی می شوند:

آسیب های ناشی از موتورسیکلت

آسیب های ناشی از دوچرخه موتوری

آسیب های رخداده در پیاده رو ها

آسیب های رخداده در محیط کار





کاهش آسیب های ترافیکی

طراحی های ضعیف به همراه نگه داری غیراصولی راه ها، آسیب ها و به تبع آن مرگ و میر ها و معلولیت های بی شماری را سالیانه به وجود می آورد. حتی اشیایی که در کنار جاده قرار دارند باعث سوانح گوناگونی می شوند. بسیاری از اتوبان های موجود از هیچ استاندارد مشخصی برای ایجاد حاشیه در کنار اتوبان ها پیروی نمی کنند. چاله ها که به ویژه در کلیه جاده ها، اتوبان ها و خیابان های ایران به وفور یافت می شوند

خود عامل بسیاری از تصادفات به ویژه در بین موتورسواران می باشد. وجود انواع نخاله ها و به خصوص مایعات لغزنه در سطح جاده ها و اتوبان ها زمینه ساز تصادفات بی شماری است. سطح پل ها به ویژه زمانی که خیس می شوند، به دلیل اصطکاک پایین شان بسیار لغزنده شده و تصادفات بی شماری را سبب ساز می شوند.

بسیاری از موانعی که برای کاهش سرعت و ایمنی اتومبیل ها به کار می روند برای سایر وسایل نقلیه مناسب نبوده و به ویژه برای موتورسواران کشنده می باشد. استفاده از علایم مشغول کار بر روی جاده، اغلب مناسب نبوده و در برخی موارد خطر آفرین می باشد.

به کارگیری نکات زیر می تواند کاهش قابل توجهی در آمار موارد بروز و مرگ و میر ناشی از آسیب های ترافیکی را به دنبال داشته باشد:

آموزش عمومی در برخورد با مصدوم: بسیاری از مرگ و میرهای ناشی از تصادفات در صحنه حادثه رخ می دهد لذا آشنایی عمومی افراد با نحوه برخورد با مصدومین، می تواند



نجات بخش جان افراد بسیاری شود؛

■ آشنا نمودن مردم به اصول ایمنی در رانندگی به عنوان یک پیشگیری سطح اول در کاهش موارد سوانح ترافیکی و آسیب های ناشی از آن نقش دارد؛

■ استفاده از تجهیزات ایمنی: نظیر کلاه و کمربند ایمنی و تشویق به تولید و استفاده از آن به عنوان راهکار کارآفرینی و ارتقای سلامت در جامعه؛

■ رعایت دقیق سرعت مجاز:

■ عدم استفاده بیش از ظرفیت وسایط نقلیه:

■ استفاده از کمربند ایمنی برای کودکان: مرگ کودکان و یا آسیب شدید آن‌ها در تصادفات رانندگی که در صندلی جلوی خودرو بدون کمربند نشسته‌اند، تقریباً ۹ برابر بیشتر از کودکانی است که در صندلی جلو از کمربند ایمنی استفاده می‌کنند و در کسانی که در صندلی عقب سمت چپ بدون کمربند می‌نشینند، این رقم تقریباً ۲ برابر است:

- احترام به قوانین راهنمایی و رانندگی:
- استفاده از صندلی ایمنی مخصوص اطفال؛ نوزادان و اطفال زیر ۳ سال نیازمند آنند که به شکل مناسب در صندلی مناسبی نشانیده شوند؛
- استفاده از صندلی های حمایتی؛ این صندلی ها برای کودکانی طراحی شده است که آموزش لازم برای استفاده از کمربند ایمنی را دریافت نکرده و یا قادر به استفاده از آن نیستند؛
- نشانیدن کودکان در صندلی عقب اتومبیل؛ به نحو مؤثری این امر از سوانح در کودکان پیشگیری می کند؛
- آشنایی با خرابی ها و نقایص فنی که می تواند حادثه ساز باشد؛
- افزایش مهارت های راندن و مقابله با خطر در موتورسواران؛

حوادث خانگی



حوادث خانگی در یک نگاه

سالانه در اثر حوادث خانگی ۱۳ میلیون کودک ۱ تا ۴ ساله دچار آسیبی می‌شوند که نیازمند مراجعت به بخش فوریت‌ها هستند. سالانه حدود ۲۰۰۰۰ نفر در ایالات متحده در اثر حوادث خانگی جان خود را ازدست می‌دهند و ۲۰ میلیون نفر نیاز به معاینه پزشکی پیدا می‌کنند. حوادث غیر عمدی خانگی باعث بروز مرگ در سنین ۱ تا ۴۴ سال شده و در مجموع پنجمین علت مرگ در همه سنین محسوب می‌شود.

انواع آسیب های خانگی

به طور کلی آسیب هایی که در خانه رخ می دهند عبارتند از:

■ **سقوط از بلندی** یکی از شایع ترین علل مرگ و میر در اثر سوانح خانگی می باشد؛

■ **مسومیت** که تخمین زده می شود که سالانه حدود $\frac{2}{3}$ میلیون ابتلا به مسمومیت در اثر سوانح خانگی رخ دهد که از این میان سالانه ۱۰۰۰۰ نفر جان

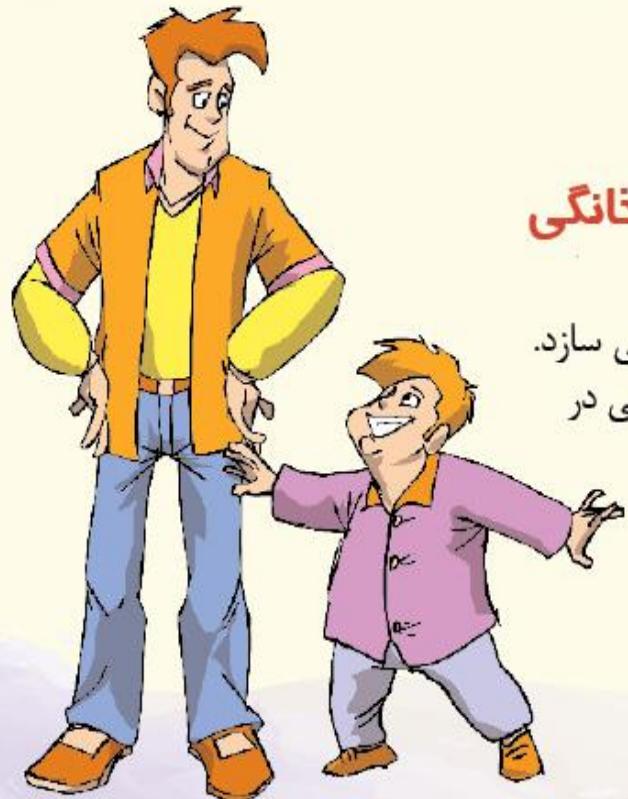
خود را ازدست می دهند. با وجود چنین گستردگی و آموزش های مداوم و وسیعی که در کشور های توسعه یافته وجود دارد، حدود ۶۹درصد از خانه هایی که کودکان در آن ها زندگی می کنند، مواد شوینده، سفید کننده و حتی برخی از داروهای رادر مکان های قفل دار نگه داری نمی کنند. شما فکر می کنید این نسبت در محله و یا شهرمان چقدر است؟



سوختگی که سالانه حدود ۳۰۰۰ مرگ و بیش از ۱۶۰۰۰ سانحه آتش سوزی در اثر حوادث خانگی در ایالات متحده رخ می دهد. از هر ۱۰ خانه در ایالات متحده ۹ خانه مجهر به هشداردهنده دود است اما بسیاری از خانواده ها در نگه داری آن ها کوشانبوده و تنها ۱۶ درصد خانه ها از استاندارد های لازم در این زمینه برخوردارند.

خفگی که چهارمین علت مرگ در اثر حوادث خانگی بوده و در ایالات متحده حدود ۳۲۰۰ مرگ را سالیانه موجب می شود.

عوامل مؤثر در ایجاد آسیب های خانگی



سن: بالا و پایین بودن سن، افراد را مستعد آسیب می سازد.
چون افراد در دو سر طیف سنی با مشکلات و اختلالاتی در زمینه تشخیص به ویژه تشخیص خطر مواجه هستند؛

استرس: در موقع هیجان و نگرانی انسان به آنچه انجام می دهد، توجه کمتری دارد و این خود باعث



افزایش احتمال وقوع حادثه می شود؛

■ **ماجرای جویی و هیجان طلبی؛**

■ **چپ دست بودن:** طبق آمار کشور آمریکا، چپ دست ها دو برابر راست دست ها در

عرض خطر آسیب ها قرار دارند؛

■ **اعتیاد به سیگار و مواد مخدر.**

پیشگیری از آسیب های خانگی



پیشگیری از حوادث خانگی در بسیاری از موارد بسیار ساده و عملی است اما برپایه بسیاری از پژوهش ها در اکثر موارد نادیده انگاشته می شود. برخی از گام های عملی پیشگیری از این خطرات عبارتند از:

۱. نصب هشدار دهنده دود در تمامی مکان های ضروری و تست ماهیانه آن؛
۲. توسعه یک برنامه فرار از آتش برای خانواده خود و تمرین آن حداقل ۲ بار در سال؛



۳. ماندن در آشپزخانه در هنگامی که غذا روی اجاق پز قرار دارد؛
۴. اطمینان از وجود نرده محافظ در تمامی بخش های راه پله؛
۵. نصب دستگیره در داخل حمام و وان و استفاده از سطوحی در حمام و وان که لغزنده نباشند؛
۶. چسبانیدن شماره تماس های ضروری



- نظیر فوریت ها و آتش نشانی و ... نزدیک محل تلفن؛
۷. استفاده از قفل های مخصوص اطفال در کابینت های حاوی مواد مسموم کننده و خطرناک؛
۸. اگر در خانه استخر موجود هست باید از نرده و درهای خود به خود قفل شونده استفاده شود. همچنین باید حتماً از حفاظ های مناسب که ارتفاع مناسب داشته باشد، استفاده گردد.

آسیب های عمدی (خشونت)



تعريف خشونت

در بیان مفاهیم خشونت از عبارات عمدیت (بر عمدی بودن خشونت دلالت دارد)؛ طبیعت (بر نوع خشونت دلالت دارد نظیر خشونت فعال جسمی مانند تجاوز، خشونت غیرفعال جسمی مانند اهمال و غفلت، خشونت کلامی و یا روانی و سوءاستفاده جنسی)؛ عامل (بر اعمال کننده خشونت دلالت دارد، نظیر خشونت خود آزاری، خشونت بین فردی و خشونت سازمان یافته که اغلب توسط گروه‌ها اعمال می‌شود)؛ و موقعیت



(برمکان وقوع خشونت دلالت دارد نظیر
خشونت خانگی که در خانواده های
بسته یا باز رخ می دهد یا خشونت
هایی که در مدارس، خانه های
ایتم، واحدهای بهداشتی، محل
کار و غیره اتفاق می افتد و یا خشونت محیطی
که با رشد بی رویه شهرها و بی نظمی ناشی از
آن مرتبط است) استفاده می شود.

طبق تعریف کارگاه مشورتی سازمان جهانی بهداشت خشونت استفاده عمدی از نیرو یا قدرت فیزیکی با تهدید یا تمایل بر روی خود یا دیگری یا بر یک گروه یا جامعه است که می‌تواند بدون آسیب یا همراه با احتمال ایجاد آسیب، مرگ، آسیب روانی و اختلال رشد یا محرومیت‌های گوناگون باشد. خشونت می‌تواند به صورت خشونت حاد یا مزمن، خشونت در مکان‌های عمومی یا در خفا، خشونت مطرح شده توسط قربانی یا متجاوز یا فاش شده در مدارک و اسناد و نیز خشونت بین فردی، خود آزاری و جنگ دیده شود.

انواع خشونت



۱. خشونت از نوع خودآزاری: شامل اعمال رفتار مضر و عمدی بر روی خود که شدیدترین فرم آن خودکشی است (انواع آن شامل تصمیم به خودکشی، خودکشی، قطع عضو، رفتارهای آسیب به خود که قصد آن مرگ نیست) می باشد؛

۲. خشونت از نوع بین فردی: شامل رفتار خشنی است که بین اشخاص اتفاق می افتد اما یک گروه اجتماعی یا سیاسی منسجم یا دارای نقشه در آن سهیم نیست (انواع آن شامل قربانی متجاوز خویشاوند یا خشونت خانگی، خشونت در میان آشنايان و خشونت بین افراد بیگانه است)؛

۳. خشونت سازمان یافته: رفتار خشنی است که برای دستیابی به اهدافی برنامه ریزی شده یا به دنبال تحریک و یا موضع خاص سیاسی، اقتصادی، اجتماعی یک گروه سازمان یافته سیاسی یا اجتماعی رخ می دهد (انواع آن شامل جنگ ها، اعمال خشونت علیه افراد غیر بومی، خشونت گروه های گنگستری و سرقت مسلحانه، خشونت در نزاع ها و ازدحام ها و سایر انواع خشونت سازمان یافته است).



قربانیان خشونت

در هر یک از اشکال خشونت، افرادی چون عاملان یا مهاجمان، قربانیان و شاهدان خشونت و نیز عباراتی چون عوامل مستعدکننده و خطرآفرین مطرح می‌شود. اغلب، فقر عاملی مهم و اساسی برای خشونت است اما مدرکی دال بر مصونیت طبقه مرفه وجود ندارد. بیشترین میزان خشونت‌های گروهی در جنگ‌ها و آشوب‌های غیرنظمی دیده می‌شود.

خشونت بین فردی یا خودآزاری‌هایی که در خانه رخ می‌دهد، بهطور گسترده‌ای تحت تاثیر استعداد خانواده و خصوصیات اعضای آن در سازش با مسایل اجتماعی و اقتصادی است. با این دید بیشترین بار استرس‌های اجتماعی را خانواده‌های فقیر و گروه‌های حاشیه‌ای جامعه تحمل می‌کنند. جایگاه پایین خانوادگی یا اجتماعی،

کاهش قدرت، نوع کار یا عرصه حضور و نیز سادگی افراد موجب می شود که بیشتر در معرض خشونت قرار گیرند.

گروه های هدف یا آسیب پذیر عبارتند از: کودکان؛ زنان؛ سایر گروه های هدف (سالمندان و افراد بی خانمان، فقیر، بیکار، حاشیه نشین، گروه های منحرف، اعضای اقلیت های قومی، مهاجران، آوارگان، بیماران مزمن و معلول به ویژه بیماران روانی)؛ و مهاجمان.

در خشونت خود آزاری مهاجم و قربانی هر دو یک نفر هستند. اغلب مهاجمان امروز، قربانیان دیروز هستند و این چنین است که سوء استفاده از کودکان از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد. علاوه بر این، امکان بروز عوارض روانی، اجتماعی یا عواقب قضایی ناشی از اعمال خشونت، مهاجمان را به قربانیان رفتار خودشان مبدل می سازد.

عوامل خطر خشونت



عوامل خطر خشونت بسیار متعددند. گاهی به تنها ی ولی اغلب به طور مرتبط با یکدیگر عمل می کنند و شامل مواردی نظیر شهری شدن زندگی و افزایش حوادث ناشی از آن، از هم پاشیدن خانواده، ترس، فقر، ناامنی، تبعیض، ناامیدی، بی عدالتی، افسردگی، مشاهده محرومیت های نسبی اقتصادی، مصرف داروهای مخدر



و الکل، فشارهای اجتماعی، قاچاق، توزیع و فروش داروها، نزاع های محلی، نمایش تصاویر خشن از رسانه های ارتباط جمعی، نداشتن قدرت و اختیار و نیز درگیری ها و جنگ می باشد. رابطه فقر و خشونت به تنها ی رابطه مستقیمی نیست اما همگان وابستگی شدید بی عدالتی و خشونت را به عنوان یک حقیقت پذیرفته اند. رابطه بین خصوصیات ژنتیک افراد (عامل انسانی) و ترغیب به خشونت از سوی محیط (عامل فیزیکی) نیازمند تحقیقات بیشتر است. مشاهده برخی از نماهای خشونت آمیز نظیر رفتار تهاجمی در دوره جوانی و رفتارهای غیر تهاجمی در سایر سنین منشأی فیزیولوژیک دارد.

عوامل حمایتی در برابر خشونت



- انعطاف پذیری: انعطاف پذیری به معنای استعداد یک کودک، یک شخص، یک خانواده، یک گروه برای مقاومت در برابر وقایع و اتفاق ها و علاوه بر آن ایجاد رفتار قوی و شخصیتی متکی به نفس در او می باشد؛
- خصوصیات ژنتیک و زیست شناختی؛
- حوادثی که در طول زندگی تجربه می شوند؛
- حضور اولیا، بزرگسالان یا حامیان دلسوز؛



- تعاملات مثبت میان کودک و اطرافیان بزرگسال او؛
- ایجاد محیط حمایتی (خانواده و جامعه سالم)؛
- آموزش مثبت، مؤثر و کافی (متکی بر تشویق و ارزیابی درست وضعیت، حل بحران‌ها، روش‌های مسالمت آمیز حل نزاع)؛
- محیط فیزیکی عاری از اعتیاد، الکل، خشونت و سلاح گرم.



عواقب بهداشتی، اجتماعی و اقتصادی خشونت

در کلیه تحقیقات انجام شده در زمینه خشونت خانگی، بر تاثیر خشونت بر قربانی خشونت و جامعه تاکید شده است. تأثیر خشونت بر قربانی به صورت کاهش کارآیی در محیط کار، کاهش یادگیری در مدرسه و عدم توانایی برقراری روابط اجتماعی است. کودکان قربانی خشونت، آمادگی زیادی برای ابتلا به بیماری‌های روانی، اختلالات رشد و به خصوص نارسایی کلامی دارند. از لحاظ سلامت جسمی ضعیف بوده و در بزرگسالی بیشتر از افراد معمولی دچار بیماری می‌شوند. رسیدن به سلامت روانی برای آن‌ها بسیار سخت است. در کودکی قربانی خشونت بوده اند، بسیار مشکل تراز سایرین است چنین افرادی در بزرگسالی هم بیشتر از افراد معمولی قربانی خشونت شده و هم بیشتر زمینه تبدیل شدن به عامل خشونت را دارند.

در یکی از تحقیقات، مشخص شده است که بین وجود نزاع و کتک کاری میان والدین در خانه و داشتن ارتباط با جنس مخالف رابطه وجود دارد و نوجوانانی که در خانه احساس آرامش نمی کنند، بیشتر به سوی دوستی با جنس مخالف کشیده می شوند. در مطالعه دیگری، مشخص شده است که خشونت خانگی در همه طبقات اجتماعی وجود دارد و میزان خشونت ارتباطی با طبقه اجتماعی ندارد و میزان نارضایتی و استقلال طلبی نوجوانان با خشونت والدین رابطه معناداری دارد. در مطالعه دیگری مشخص شده است که در خانواده های خشن، میزان نارضایتی نوجوانان بیشتر است و خانواده های عاری از خشونت بیش از خانواده های دچار خشونت می توانند مشکلات خانوادگی را به صورت موفقیت آمیز حل کنند.

از نکات قابل تأمل در فرهنگ اجتماعی ما،
اعمال خشونت و تنبیه بدنی کودکان توسط
مادران است که خود سبب ادامه دور باطل
خشونت گشته و بدین ترتیب خشونت از نسلی
به نسل دیگر ادامه می یابد. حداقل پیامدهای
ناشی از خشونت خانگی، فقدان امکان برقراری
روابط اجتماعی، فرار از منزل، خودکشی، عدم
توانایی شرکت و اظهار نظر در گروه و جمع و
داشتن تصور منفی از خود، انزواج اجتماعی،
ترس و اضطراب، فقدان استقلال، ممانعت از
بروز استعداد و توانایی های بالقوه قربانیان و
مهم تر از همه تداوم خشونت است.



هزینه های اقتصادی- اجتماعی خشونت نیز شامل هزینه های مستقیم که در فعالیت ها و خدمات مورد نیاز برای درمان یا پیشگیری از خشونت هزینه می شود مانند هزینه های پزشکی، پلیس، دستگاه قضایی، اسکان و خدمات اجتماعی؛ هزینه های غیر مستقیم یا غیر پولی که شامل درد و رنج تحمیل شده بر قربانیان نیز می باشد مانند افزایش مرگ ناشی از قتل و خودکشی، سوء مصرف الکل و مواد مخدر، اختلالات افسردگی، تداوم کاهش مشارکت نیروی کار، کاهش پیشرفت تحصیلی کودکان و کاهش سرمایه گذاری و پس انداز؛ آثار فرآینده اقتصادی بر اقتصاد کلان، کار و بازار نظیر کاهش بهره وری در مشاغل، کاهش سود و افزایش آثار غیبت در بهره وری؛ و آثار فرآینده اجتماعی بر روابط بین فردی و کیفیت زندگی مانند فرسایش سرمایه اجتماعی، انتقال بین نسلی خشونت، کاهش کیفیت زندگی و کاهش مشارکت در فرآیندهای اجتماعی می باشد.